

مقاله پژوهشی تحلیل حقوقی اسیران جنگی از منظر اسلام و فقهای مسلمان

محمد زرشگی^۱ و خیرالله پروین^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹

چکیده: اسلام یگانه دین مترقی در بین ادیان عالم است که برای اولین بار اوضاع جنگ را سامان بخشید و برای آن نظام بشردوستانه وضع کرد و برای اسیران جنگی حقوقی قائل شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در دنیا نخستین شخصیتی است که قوانین عادلانه جنگ را به طور جامع بیان و در نبردهای صدر اسلام رعایت کردند و برای اسیران حق حیات و زندگی را به رسمیت شناختند. اسیران جنگی، در نظام جهاد اسلامی دارای حقوق شناخته شده‌ای هستند که فراتر از حقوقی بوده که در کنوانسیون‌های ژنو مقرر شده است. به اسارت گرفتن نیروهای رزمنده دشمن اگر برای مقاصد تجاری و سوءاستفاده از اسرای دشمن باشد، در قرآن به عنوان امری مخالف شئون دین و رسالت انبیا تلقی شده و اگر به منظور ناتوان کردن دشمن و وادار کردن طرف متخاصم به دست کشیدن از جنگ باشد، بی‌گمان مجاز بوده و در راستای اهداف بشردوستانه جهاد قرار دارد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بازشناسایی قواعد مترقی در آیات قرآن کریم، سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام در زمینه رعایت حقوق اسیران جنگی در مقام نظر و عمل پرداخته می‌شود. چراکه احترام به دشمن در ارزش‌های اسلامی یک التزام است؛ دین مبین اسلام مبانی احکام خود را بر کرامت و اصالت انسانیت نهاده و صیانت از آزادی و حقوق مشروع انسان را به عنوان یک اصل مورد تأیید قرار داده و بر این اساس انسان چه آزاد و چه اسیر از حقوق مشروعی برخوردار بوده که لازم‌الرعا به است.

واژگان اصلی: اسلام، اسیر جنگی، جنگ، حقوق بشردوستانه اسلامی.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، پردیس، ایران (نویسنده مسئول)

Mohammad.zereshgi@yahoo.com

kh.parvin@yahoo.com

۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

از آغاز تاریخ بشر و دست کم از روزگاری که زندگی انسان‌ها در روشنی تاریخ تا امروزه که بشریت در هزاره سوم قرار گرفته است، جنگ، این پدیده زشت و تباه‌کننده سایه شومش را در سرتاسر پهنه گیتی گسترده بوده است. به طوری که بر اساس پژوهش‌های به عمل آمده طی تاریخ، بشریت فقط ۲۵۰ سال را در صلح زیسته است (سیاه‌رستمی و دیگران، ۱۳۸۹). جامعه انسانی همواره در این آرزو بوده که نزاع و دشمنی در بین ملت‌ها از بین برود و صلح، دوستی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز جایگزین آن شود؛ اما این امر در حد یک آرزو و آرمان باقی مانده و جنگ و خشونت به عنوان یک واقعیت تاریخی همواره وجود داشته است (موسوی و فامیل زوارجلالی، ۱۳۹۵). یکی از مواردی که در اغلب جنگ‌ها اعمال می‌شود، به اسارت درآوردن نیروهای طرف مقابل است. اسیر کردن به عنوان غنیمت جنگی از زمان‌های قدیم در جنگ‌ها و مخاصمات معمول بوده و رفتاری هم که با اسرا صورت می‌گرفت با توجه به مکاتب و مذاهب مختلف، متفاوت بوده است. آنچه همواره به عنوان یک دغدغه مطرح بوده این است که در هر صورت رفتار با اسرا باید انسانی باشد و از آن‌ها نگهداری و محافظت شود و در برابر خشونت‌هایی که ممکن است نسبت به آن‌ها وارد شود، از آنان حمایت کرد (موسوی، ۱۳۹۴).

مطالعه و دقت در آداب جنگ در اسلام، این حقیقت را آشکار می‌کند که آنچه امروزه در نظام حقوق بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، چهارده قرن پیش‌تر در متن تعالیم اسلام وجود داشته است. اهمیت این امر مخصوصاً از این جهت است که در آن روزگار، نه نامی از حقوق بشردوستانه - قواعد مربوط به رعایت حقوق بشر در زمان جنگ - در میان و نه محتوای آن مورد نظر بود. برخی بر این باورند که «روابط عادی میان مسلمانان و کفار هرگز مبتنی بر صلح نبوده» و در نتیجه حالت یک جنگ دائم را در این زمینه به تصویر می‌کشند. شاید نظریه «اسلام دین جنگ است» معلول آن باشد که اساساً فقیهان مسلمان در مباحث حقوقی شان، چنین پرسشی را مطرح نکرده‌اند که اصل، در روابط بین‌المللی مسلمانان چیست؟ جنگ یا صلح؟ از سوی دیگر اهمیت فوق‌العاده‌ای که در فقه به مسأله جهاد داده شده و بر وجوب آن تأکید شده، باعث نقش بستن جهاد در ذهن بسیاری از افراد به مفهوم «جنگ تهاجمی» گردیده و در نتیجه، عده‌ای به این نتیجه‌گیری غلط برسند که مبنای حقوق بین‌الملل در اسلام جنگ و ستیز همیشگی با غیرمسلمانان است. این عده احیاناً برای ادعای خود، به اعمال و رفتار بعضی از حاکمان و زمامداران حکومت اسلامی نیز استناد می‌کنند. در حالی که نصوص اصیل اسلامی

که باید بر آن اتکا داشت، عکس این مطلب را ثابت می‌کند. اسلام صلح و هم‌زیستی سالم با ادیان و ملل دیگر را به صورت اصل و قاعده اساسی در نظام تشریحی خود ملاحظه نموده و جنگ را فقط در حال ضرورت مشروع دانسته است؛ بنابراین رفتار و عملکرد ناصواب برخی از زمامداران مسلمان طی تاریخ، نمی‌تواند ملاک درستی برای قضاوت باشد.

دقت در مجموعه مقررات و حقوق جنگ به‌خوبی این حقیقت را آشکار می‌سازد که ریشه‌های قواعد و مقررات حقوق جنگ، به‌طور عام و حقوق بشردوستانه و حقوق حمایت از افراد تحت حمایت به‌طور خاص، کاملاً در دستورات و تعالیم اسلامی وجود دارد و نظر بعضی از صاحب‌نظران که این‌گونه قوانین را متخذ از حقوق اسلامی می‌دانند، چندان اغراق‌آمیز به نظر نمی‌رسد. این واقعیت زمانی به اثبات می‌رسد که منابع اسلامی و نحوه دسته‌بندی جنگ‌های بین‌المللی و غیر بین‌المللی توسط فقیهان قرن‌های اولیه و نظام‌ها و مقررات هر یک و نیز تکالیف سربازان اسلامی در برخورد با دشمن به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. ضمانت اجرای وضع شده در مورد تخلف سربازان از این قوانین که در حقوق اسلامی مورد ملاحظه قرار گرفته، واقعیت دیگری را گوشزد می‌کند و آن این است که دستورات مزبور صرفاً سفارش‌های اخلاقی نیستند؛ بلکه حقوق و قوانین لازم‌الرعایه‌ای هستند که متخلفان و متجاوزان به آن، مسؤول عواقب اعمال خود اعم از مدنی و جزایی خواهند بود (محقق داماد، ۱۳۸۳). در واقع رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، از دیدگاه اسلام، به‌عنوان یک وظیفه و تکلیف دینی و شرعی بوده و هرگونه تخطی از آن، هم کیفر دنیوی و هم عقوبت اخروی دارد. قوانین و مقررات اسلامی با اینکه حدود هزار و چهار صد سال پیش وضع شده اند؛ اما به‌مراتب از معاهدات و قوانینی که امروز در جهان مورد اجرا قرار می‌گیرد، پیشرفته‌تر، بهتر، عینی‌تر و کاربردی‌تر است و در عین حال، انطباق بیشتری با کرامت انسانی و عزت نفس بشری دارد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵). چراکه اسلام دستورالعمل‌های دقیق و مشخصی برای مسلمانان و در رابطه با رفتار آنان در جنگ ارائه داده که ارتباطی با مشروع بودن یا نبودن انگیزه‌های جنگ ندارد. در زمان درگیری‌های مسلحانه، اسلام علاوه بر اصول عمومی؛ نظیر احترام به کرامت انسان‌ها و حقوق بنیادین، دستورات مشخصی را جهت تبیین رفتار رزمندگان در قبال دشمنانشان ارائه می‌دهد. پرسش اصلی مقاله این است که دین اسلام چه رویکردی در خصوص تأمین و تضمین حقوق اسیران جنگی ارائه نموده است. به نظر می‌رسد از منظر دین

اسلام و به تبع آن سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، ائمه معصومین علیهم السلام و فقهای مسلمان، اسارت یک عمل بازدارنده است نه یک عمل سرکوب‌گرایانه و حقوق انسان‌ها چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح باید محترم شمرده شود و مبنای احترام به اسرای جنگی از دیدگاه اسلام بر پایه کرامت ذاتی و اصالت انسانیت بنا شده و حسن رفتار با اسیران جنگی در دین اسلام یک وظیفه دینی، شرعی و اخلاقی است.

مسئله اصلی پژوهش این است که بعضاً برخی مخالفان دین اسلام با ارائه تفاسیر و تحلیل‌های غیرواقعی و جانب‌دارانه تصویری خشن از دین مبین اسلام در خصوص رعایت حقوق بشردوستانه در خصوص اسیران جنگی ارائه داده‌اند؛ اما اصل مطلب آن است که چه‌بسا در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و پس از رحلت ایشان از جانب برخی مسلمانان که به معنای واقعی پیام دین اسلام را که همانا صلح و رحمت بوده، دریافت نکرده بودند، ممکن است به اسرای جنگی ظلمی و یا حتی جنایتی شده باشد؛ چه اینکه بر هر خردمندی روشن است که در هر جامعه‌ای ممکن است افرادی از قانون تجاوز کنند و سرپیچی افراد نمی‌تواند در ارزشمند بودن یک قانون خدشه‌ای وارد سازد؛ اما ملاک اصلی در قرآن کریم و سیره رسول اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام است که عمل آنان می‌تواند دلیلی بر موضع‌گیری اسلام بوده باشد که با مطالعه آنان آشکار شد که در دین اسلام بر پایه اصل کرامت و شرافت انسانی و قبل از آنکه هیچ قانون مدونی در این عرصه وجود داشته باشد، شاهد بهترین رفتار با اسیران جنگی بوده‌ایم.

تعریف و مفهوم اسیر در نظام حقوقی اسلام با تأکید بر آرای فقهای مسلمان

واژه اسیر و مشتقات آن در ۵ آیه از آیات قرآن کریم آمده است (احزاب آیه ۲۶، انسان آیه ۸، انفال آیات ۶۷ و ۷۰؛ بقره آیه ۸۵). اسیران جنگی از دیدگاه فقهای اسلام در یک تقسیم‌بندی کلی به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ یک گروه زنان و کودکان که در اصطلاح به آنان سبی می‌گویند. گروه دوم مردان جنگجو و پیکارگر که در اصطلاح به آنان اسیر می‌گویند و هر دو گروه جزو غنائم جنگی محسوب می‌شوند (میرشریفی، ۱۳۹۵).

در قرآن کریم اسیر به هر دو معنی استعمال شده است. «فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا» (سوره احزاب، آیه ۲۶). مراد از «تَأْسِرُونَ فَرِيقًا» زنان و کودکان است و در آیه «مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى» (سوره انفال، آیه ۶۷)، مقصود مردان اسیر است (میرشریفی، ۱۳۹۵). اکثر فقیهان

مسلمان درصدد تعریف واژه اسیر برنیامده و بیشتر معنای لغوی آن را در نظر گرفته‌اند. اسیر در لغت به معنای بستن و دربند کردن و نیز به معنای مفعولی بسته شدن است؛ اما در فقه، اصطلاحاً اسیر به فرد یا افرادی اطلاق می‌شود که در جنگ به وسیله نیروهای فاتح دستگیر و به پشت جبهه انتقال داده شوند.

شاید دلیل کاربرد اصطلاح مذکور این باشد که در گذشته معمولاً افراد دستگیرشده را با طناب یا چیز دیگری می‌بستند تا امکان هرگونه مقاومت و فرار از آنان سلب شود؛ اما به تدریج واژه اسیر بر هر فرد دستگیرشده در جنگ؛ هرچند نیازی به بستن وی نباشد، به کار گرفته شد. آنچه باید موردعنايت قرار گیرد، این است که در کلمه اسیر، شأنیت بسته شدن اعتبار شده است و نوعاً در خصوص افرادی به کار می‌رود که توان جنگ دارند و دستگیری آنان نیاز به قیدوبند دارد، اما به افرادی که دستگیری آنان نیاز به بستن نداشت؛ مانند زنان، اطفال و پیرمردان که پس از شکست نیروهای مبارز در اختیار دشمن قرار می‌گیرند، «سبایا» اطلاق می‌شده است.

شیخ طوسی رحمت‌الله‌علیه فرموده است: اسیر کردن به معنای بستن جنگجوی دشمن با چیزی است که به سبب آن در اختیار اسیرکننده‌اش قرار می‌گیرد. در «تفسیر المیزان» نیز همان معنا مورد تأکید قرار گرفته است با این استدلال که زنان، کودکان و سالخورده‌گان اصطلاحاً اسیر نامیده نمی‌شوند. ماوردی در «احکام السلطانیه» می‌نویسد: «اسیران، مردان کافر جنگجویی هستند که مسلمانان بر آن پیروز شده‌اند و آن‌ها را زنده دستگیر کرده باشد» به این ترتیب، در فقه اسلامی جنگجویان دستگیرشده از سپاه دشمن دارای احکام ویژه‌ای هستند که آنان را از دیگر افراد دستگیرشده متمایز می‌سازد، پس می‌توان گفت که معنای اصطلاحی اسیر از دیدگاه حقوق اسلامی تا حدی مشابه تعریفی است که در کنوانسیون سوم ژنو، درباره اسیر بیان شده است.

تعریف و مفهوم حقوق بشردوستانه در اسلام

مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه یکی از عناصر ذاتی و اصول بنیادین نظام حقوقی اسلام است. مفهومی سنجیده و مستقل و جذاب بوده از این جهت که نتیجه استدلال‌های قوی و صادقانه و جدی است (محقق داماد، ۱۳۸۳). برای پی بردن به ارزش ذاتی مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه باید آن در چارچوب حقیقی خود قرار داده شود؛ زیرا، مشی اسلام که ماهیتاً جهانی است، زمان و مکان را درمی‌نوردد و تنها بر منازعات مسلحانه مبتنی نیست. بلکه بر اعتقادات مسلمانان و ماهیت نظام حقوقی اسلام و برداشت آن از رابطه میان جهان اسلام و جهان خارج

نیز متکی است. «مفهوم حقوق بشردوستانه در اسلام شامل برخی قواعد بوده که نقش بنیادین دارند و سراسر نظام حقوقی بشردوستانه اسلام متأثر از آنهاست» (آقایی، ۱۳۷۶).

حقوق جنگ در اسلام درصدد آن است که جنگ را صرفاً با انگیزه و قصد الهی و برای خدا و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» منحصر نماید و هرگونه اقدام کینه‌توزانه و اغراض سلطه‌جویانه و لشکرگشایی خارج از محدوده سبیل الهی را ممنوع کند و نیز در تمام موارد ملاحظات انسان دوستانه را بر عملیات نظامی علیه دشمن ترجیح داده است (محقق داماد، ۱۳۷۱-۱۳۷۲)؛ بنابراین، می‌توان گفت حقوق اسلام مملو از قواعد و احکامی است که مقطع زمانی اجرای آن‌ها طی دوران جنگ یا پس از جنگ ولی مربوط به جنگ بوده و موظفین به اجرای آن‌ها، کشورهای اسلامی و به‌طورکلی مسلمانان درگیر جنگ هستند. در نتیجه این قواعد و احکام را می‌توان حقوق بشردوستانه در اسلام نامید (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۸).

اساساً نمی‌توان بخشی از قواعد حقوق اسلامی را عنوان «انسان‌دوستانه» داد؛ چراکه قوانین اسلام همگی انسان‌دوستانه بوده و اصولاً کلمه اسلام به معنی «صلح و صفا» است. درست است که صلح، روح اسلام را تشکیل می‌دهد ولی جنگ و رقابت انسان‌ها و کشته شدن انسان‌ها توسط همدیگر نیز واقعیت انکارناپذیر جوامع بشری است. از طرفی هم در اسلام «مقتضیات ضرورات» مخصوص ملاحظات بشردوستانه است و فقهای اسلامی با وضع قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» همین مطلب را بیان کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۵).

واکاوی مفهوم جهاد در اسلام:

واژه جهاد مصدر باب مفاعله است در لغت از جَهد گرفته شده که جَهد و جُهد به معنای مشقت و طاقت است. برخی از لغت‌شناسان می‌گویند جَهد به معنای مشقت و جُهد به معنای طاقت است. جهاد نیز به معنای تلاش و کوشش و رنج و مشقت است و در اصطلاح به معنای به‌کارگیری تمامی توان و قوا در کارزار و جنگ با دشمن و جلوگیری از تجاوز اوست. صاحب منتهی الأرب گوید «جهاد و مجاهدت کارزار کردن با دشمنان در راه خدا است». جرجانی گوید: «جهاد فراخواندن به سوی دین حق است». مطرزی گوید «جهاد مصدر کارزار کردن با دشمن است.

سپس، در اسلام غلبه پیدا کرده بر جنگ با کفار و مانند آن». در کتاب جواهرالکلام آمده است «جهاد بذل جان و مال و توان در جنگ با مشرکان و شورشگران و یا بذل جان و مال و

توان در راه اعتلای کلمه اسلام و برپایی شعار ایمان است». هدف از جنگ و جهاد در اسلام، هدایت مردم و راهنمایی آنان از تاریکی‌های جهل به سوی روشنی ایمان است؛ از این جهت جامعه اسلامی و رزمندگانی که اسیر در اختیار دارند، مکلف‌اند در هدایت و ارشاد اسیران بکوشند و آن‌ها را به سوی دین الهی راهنمایی کنند؛ این در واقع حقی از اسیر به عهده اسیرکننده است.

هدف اصلی اسلام گسترش و ترویج شریعت اسلام تا مرحله جهان‌شمولی است تا سعادت همه انسان‌ها تأمین و صلح و امنیت در سراسر گیتی ایجاد شود. در اصل، اسلام مبنا را بر صلح می‌گذارد و جنگ را به صورت استثنایی می‌پذیرد؛ بنابراین انگیزه تشریح جنگ در اسلام صرفاً کشتن کافران و خونریزی نیست؛ بلکه عبارت از دفع تعدی دشمن و رفع موانع از انتشار دعوت اسلامی است. جنگ از نظر اسلام وسیله‌ای است که مسلمانان به ناچار بدان دست می‌یازند (محقق داماد، ۱۳۷۱-۱۳۷۲). در این زمینه استاد احمد رشید معتقد است که هدف حقیقی و علت غایی جهاد صلح است، یعنی صلح قطعی بشریت که تحت تبعیت و سلطه قواعد آیین یکتاپرستی قرار گیرد (رشید، ۱۳۵۳). قضاوت غربی‌ها از جهاد اسلامی این است که آن‌ها جهاد اسلامی را در سری جنگ‌های خونین و غیرانسانی تاریخ بشر آورده و آن را تقبیح و محکوم کرده‌اند یعنی همان زشتی و پلیدی را که در اثر لاینفک جنگ‌های تاریخ است به پای جهاد اسلامی هم نوشته‌اند و با استفاده از نفرتی که احساسات انسانی از جنگ دارد، خواسته‌اند این قانون اسلامی را غیرانسانی جلوه دهند. در حالی که جهاد اسلامی نوعی خاص از مبارزه و درگیری مسلحانه است که به هیچ وجه ربطی به جنگ‌های منفور تاریخ بشر ندارد و به اصطلاح باید گفت «تافته‌ای است جدا بافته» (حجازی، ۱۳۹۴).

اسلام؛ نه دین جنگ، بلکه دین صلح و دوستی است و به دلیل جامعیت و اکمالش باید عدالت، انصاف، احسان و مدارا را با خود به همراه داشته باشد که دارد. اهداف جهاد ابتدایی در اسلام را می‌توان از سه منظر مورد بررسی قرار داد؛

۱- مبارزه با ظلم و کمک به مظلومان؛ «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» به کسانی که جنگ بر آن‌ها تحمیل شده اجازه جهاد شده است، چراکه مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آن‌ها تواناست...». نبرد با ظلم حقی است که اسلام برای مظلوم

شناخته و در کنار آن دیگران را هم دعوت به دفاع از مظلوم کرده است «كُونَا لِلْمَظْلُومِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)؛

۲- مبارزه با اختناق؛ یکی از اهداف اسلام جهاد با کسانی است که فرصت و توان تفکر و انتخاب عقیده سالم را از مردم سلب کرده‌اند و برای بقای سلطه خود آنان را در استضعاف فکری نگهداشته و مانع رسیدن هرگونه صدای حق به آن‌ها می‌شوند. اسلام با این حکومت‌ها به مبارزه برمی‌خیزد تا این فرصت را به ملت‌ها بدهد که بهترین را انتخاب کنند (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲)؛

۳- دفاع از حقوق و ارزش‌های انسانی؛ برخی از ارزش‌ها و حقوق بشر، ذاتی انسان‌ها هستند و اختصاص به قوم و قبیله و عقیده و ایدئولوژی خاصی ندارند. هر انسانی به اعتبار انسانیت خود مستحق دارا بودن آن‌هاست. از این رو کسانی که به هر دلیل و به هر شکل (به زور یا فریب یا با استفاده از ابزار تبلیغات) این حقوق را از انسان‌ها سلب می‌کنند، یا تلاش در محو این ارزش‌ها می‌نمایند، در حق انسانیت (نه گروه انسانی خاص) جنایت و خیانت می‌کنند. یکی از اهداف اسلامی مبارزه با این‌گونه حکومت‌هاست. فرهنگ اسلامی شرایط خاصی را برای جنگ دارد که موجب تغییر مفهوم آن از «حرب» به «جهاد» یا «جهاد فی سبیل الله» یا «قتال فی سبیل الله» شده است؛ جهاد به معنای به‌کارگیری تمام توان موجود در جنگ است که با یک خصوصیت، دارای بار معنوی مثبت می‌شود و آن «قید فی سبیل الله» است. درحقیقت، جهاد، جنگی را گویند که «در راه خدا» باشد.

تعبیر «فی سبیل الله» که در بسیاری از آیات جهاد به‌کار رفته (بقره، ۱۹۰ و ۲۴۴؛ صف ۴ و توبه، ۱۱)، هدف اصلی جنگ از دیدگاه اسلام را به‌خوبی روشن می‌سازد. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، آیه ۱۹۰) در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگد نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. این‌گونه آیات به‌خوبی روشن می‌کنند که جنگ در اسلام هرگز به خاطر انتقام‌جویی، جاه‌طلبی، کشورگشایی و به دست آوردن غنائم و منابع ملی که اغلب جنگ‌های بشری برای آن اتفاق افتاده، نیست، بلکه جهاد در اسلام فقط برای رضای خدا و در جهت گسترش احکام الهی، حفاظت از حقوق بشر و دفاع از کیان و قلمرو اسلامی تشریح شده است (آل بتول، ۱۳۸۸). در اسلام مشروعیت جنگ و جهاد نمی‌تواند توجیهی برای نادیده گرفتن کرامت انسانی و حقوق

پایه رزمندگان دشمن و غیرنظامیان باشد؛ برعکس، ارزش‌های اسلامی در رابطه با احترام به کرامت و حقوق دیگران، الزامات و وظایف بیشتری را بر دوش ارتش اسلام می‌گذارد.

ضرورت نظامی در تمام جنگ‌ها در انقیاد ارزش‌های انسانی و دینی است. از جمله آن‌ها می‌توان به حمایت از غیرنظامیان اشاره کرد. خداوندی که حتی ذبح یک جاندار ناچیز را بدون نام او برای خوردن گوشتش، تحریم می‌کند و سفر برای شکار به‌عنوان تفریح و لهو و لعب را معصیت می‌داند؛ خداوندی که کشتن بدون علت یک انسان بی‌گناه را مانند کشتن همه انسان‌ها می‌داند؛ خداوندی که خطر احتمالی برای زندگی را، تخصیص زنده همه قوانین و تکالیف خود مقرر می‌دارد و خداوندی که کمترین تعدی بر حقوق انسان‌ها را استکبار و سلطه‌طلبی و استعلا نامیده و آن را شدیداً محکوم می‌نماید، هرگز جهت جهاد را صرفاً برای پیروزی عده‌ای از انسان‌ها بر عده‌ای دیگر تجویز نمی‌کند (جعفری تبریزی، ۱۳۶۷).

از نظر اسلام، جهاد در راه خدا، عبادتی مقدس و جنبه نفسانی و دنیایی ندارد تا در آن ظلم و ستم و پایمال کردن حقوق دیگران، مخصوصاً غیرنظامیان صورت پذیرد. در اسلام جهاد برای نمایش قدرت، اعمال فشار سیاسی و به‌کار گرفتن زور و نیروی فیزیکی در القای عقیده و ایدئولوژی نیست؛ بلکه جهاد در نهایت امری برای رهنمون ساختن راه راست و تنظیم برادری و اخوت در جامعه و رشد دادن به آدمیت و کمال بخشیدن به شئون اوست. از این رو ممکن است حاکم اسلامی آزادی بدون قید و شرط اسیر یا گروهی از آنان را به نفع اسلام تشخیص دهد (کریمی، ۱۳۸۹). مسأله مهم دیگری که در مورد اسیران جنگی وجود دارد، موضوع اصلاح و تربیت و هدایت آن‌هاست. این موضوع در مکتب‌های مادی ممکن است مطرح نباشند ولی در جهادی که برای آزادی و اصلاح انسان‌ها و تعمیم حق و عدالت صورت می‌گیرد حتماً مطرح بوده و به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سفارش می‌کند که با بیان دلگرم‌کننده‌ای اسیران را به سوی ایمان و اصلاح روش خود دعوت و تشویق کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

جهاد اسلامی چه از نظر جامعه مسلمانان که به آن اقدام می‌کنند و چه از نظر نتایج و آثار و چه از نظر برخورد با اسیران جنگی چیزی است غیر از جنگ‌های تاریخ و باید گفت اگر جنگ‌های تاریخ پیش وجدان آدمی منفورترین کارها بوده؛ جهاد اسلامی در صورتی که خوب تجزیه و تحلیل شود قانونی است که عقل و وجدان غیر آن را نمی‌تواند بپذیرد؛ بنابراین باید بین این دو یعنی «جنگ تاریخ» و «جهاد اسلامی» قائل به تفکیک شویم و بدانیم که این‌ها دو مقوله

جداگانه هستند. در واقع جنگ نه تنها با فطرت سلیم انسان سازگار نبوده که با قانون جهان هستی نیز هماهنگ نیست. از بررسی آیات قرآن کریم در زمینه جهاد معلوم می‌شود که روح جهاد در اسلام، دفاع است و نه تهاجم (مطهری، ۱۳۸۴).

این نکته که دستور جهاد بعد از هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه نازل شده، نشان می‌دهد که اساس جهاد اسلامی را دفاع تشکیل می‌دهد؛ چراکه مسلمین سیزده سال تمام در مکه در مقابل آزار و اذیت مشرکان صبر کردند تا بلکه دشمن بر سر عقل آید؛ اما نتیجه آن، موضوع «هجرت» و انواع فشارهای سیاسی-اقتصادی بود. پس از هجرت نیز آن وضعیت خصمانه ادامه یافت تا سرانجام آیه جهاد برای دفاع از کیان اسلام و مسلمانان بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، اجازه جهاد داده شده است، چراکه مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خداوند بر پیروزی آنان تواناست (آل بتول، ۱۳۸۸).

نکته جالب آن است که لحن آیات جهاد، به گونه‌ای است که جهاد را نیازمند دلیل می‌داند؛ مثلاً جهاد برای رفع موانع (انفال، آیه ۳۹)، حمایت از مظلومان و نجات ملت‌های تحت ستم (نساء، آیه ۷۵) تشریح شده است. همین این امر که جهاد نیازمند دلیل است، از اصالت صلح و امنیت و عارضی بودن جنگ در اسلام حکایت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۴).

رویکرد دین اسلام در خصوص اسیران جنگی؛ از نظر تا عمل

نظام حقوقی اسلام، در باب اسیر دارای سابقه تاریخی است؛ بدین معنا که اسلام زمانی در مورد اسیران مراعات اصولی را به صورت قانون الزامی دانست که در نقاط دیگر دنیا، مقررات حقوقی و قانونی در این زمینه وجود نداشت. از نظر اسلام عمل اسارت یک عمل بازدارنده بوده نه یک عمل سرکوب‌گرانه و یا به عبارت دیگر اسلام بیشتر به بازدارنده بودن عمل اسارت توجه کرده و به سرکوب‌گرانه بودن آن توجهی ننموده است (حجازی، ۱۳۹۴). در مورد طرز رفتار با اسرای جنگی نیز حقوق و فقه سیاسی اسلام احکامی را وضع کرده که بر مبنای آن‌ها با اسیر از آغاز اسارت تا پایان، بر اساس اصول و کرامت انسانی برخورد می‌شود. «رهنمود حقوق اسلامی در زمینه طرز رفتار با اسرای جنگی، متضمن احکامی است که مفاد حقوق و عرف بین‌المللی مدرن هرگز به پای آن نمی‌رسد (محقق داماد، ۱۳۸۳).

در اسلام، کرامت و یکسری حقوق اساسی دیگر برای همه بشر و حتی رزمندگان دشمن به رسمیت شناخته شده است و جنگ و درگیری مسلحانه به هیچ وجه باعث ابطال این حقوق نمی‌شود. از دیدگاه اسلام، تنها تفاوت موجود در شرایط جنگی، این است که تعهد بیشتری بر دوش مسلمانان می‌گذارد تا کرامت و حقوق دشمن را محترم شمرند و هرگز کرامت و حقوقی را که همه و از جمله رزمندگان دشمن، مشمول آن هستند، محدود نمی‌کند. دین اسلام اولاً مباحث مربوط به جنگ عادلانه و مشروع و کیفیت جنگ و اصول و قواعد آن را به گونه شایسته‌ای تنظیم نموده و ثانیاً در این ساحت به گونه‌ای شایسته، به آموزش آموزه‌هایی از نحوه رفتار محسنانه و کریمانه با اسیران جنگی پرداخته است. حقوق مربوط به اسرای جنگی در اسلام نشان‌دهنده آن است که انگاره‌های این مکتب، جهانی، مبتنی بر عدالت، انصاف، مهربانی و اصل قرار دادن حفظ کرامت انسانی بوده و از این رو با مقررات و قواعد کنوانسیون سوم ژنو که آن نیز مبتنی بر رفتار انسانی و منصفانه با اسیران جنگی است، مطابقت دارد و حتی می‌توان ادعا کرد که از آن کنوانسیون جلوتر و علاوه بر سبقه زمانی دارای جنبه‌های حقوق بشر دوستانه بیشتری است. حق حیات، آزادی، طعام، لباس، محل مناسب و غیره از حقوقی بوده که اسلام آن را برای اسیران به رسمیت شناخته است (حبیب‌نژاد، ۱۳۹۲).

اسلام نهاد اسارت را در کم‌حجم‌ترین اندازه ممکن پذیرفت؛ زیرا معقول نبود که مسلمان‌ها به میدان کارزار پای نهند و دچار زیان شوند و به اسیری روند، اما بر آن‌ها حرام باشد که دشمنان خویش را به اسارت گیرند. این نه با طبع و نه با منطق و عقل سازگار است. یکی از فلسفه‌های پذیرش این امر، ایجاد زمینه‌ای برای امکان تبادل اسیران و آزاد کردن آنان بود. از این گذشته پذیرش نهاد اسارت با آموزه‌های آسمانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که سرمشق انسانیت به شمار می‌رود، با رعایت شرایط انسانی سازگاری دارد. قواعد حقوق بشر دوستانه اسلام بخشی از شریعت اسلامی و در زمره احکام الهی بوده که پیش از آنکه عهد و عرفی در این زمینه میان اقوام و ملل شکل گرفته باشد، به‌عنوان عهد الهی برای مسلمانان و دولت اسلامی ایجاد الزام کرده است؛ بنابراین، بی‌تردید دولت اسلامی و هر مسلمانی در مخاصمات مسلحانه موظف به رعایت قواعد و احکام انسان دوستانه اسلام است. به این منظور دولت اسلامی وظیفه دارد همه تدابیر و اقدامات مقتضی و بایسته را به عمل آورد تا از پایبندی سربازان و رزمندگان خود به موازین فقهی و اخلاقی اسلام در حین مخاصمه مسلحانه، اطمینان حاصل کند (فضائلی، ۱۳۹۸).

از منظر اسلام نه تنها حسن رفتار با اسیران در بند توصیه شده بلکه مساعدت مادی و معنوی نسبت به آنان را از ضروریات می‌شمارد. اسلام جنگ را برای محافظت از کیان و انسانیت می‌پذیرد و برای محافظت از اصول انسانی زندگی آدمی و تا جایی که جنگ و ضوابط وضع شده برای آن با این اصل در تعارض و تناقض نباشد پذیرفته شده است؛ اما اگر در جایی اقدامات جنگجویان با انسانیت و فطرت انسانی در معارضه قرار گیرد قطعاً انسانیت که هدف اسلام دفاع از آن است مقدم خواهد بود (کریمی، ۱۳۸۹). از آنچه در مورد رفتار با اسیران جنگی در متون و منابع اسلامی به دست می‌آید می‌توان چنین استنباط کرد که رسیدگی و نگهداری و مراقبت امور رفاهی اسیران جنگی از واجبات کفایی بوده و انجام آن مستقیماً بر عهده دولت اسلامی و بیت‌المال است و یا به‌طور غیرمستقیم از باب حاسبه به دولت اسلامی واگذار می‌گردد. «در هر حال هرگاه به هر دلیلی دولت توان نگهداری و رسیدگی به امور رفاهی اسیران را نداشته باشد، انجام این مهم از باب واجب کفایی بر عهده عامه مسلمانان خواهد بود» (عمید زنجانی، ۱۳۸۵). از جمله تأکیدات اسلام بر مسلمین این است که کشتن اسیر نباید با گرسنگی و تشنگی صورت گیرد. تغذیه و سیراب کردن اسیر بر عهده کسی بوده که او را اسیر کرده است؛ مادامی که وی را فرمانده سپاه یا کسی که از جانب وی منصوب شده است، تحویل دهد.

در حالی که قبل اسلام و در میان دیگر ملت‌ها و نیز عرب‌های جاهلی، اسیر مانند یک شی و مال تلقی می‌شد. دین اسلام تأکید فراوانی را بر رفتار با احسان و توأم با احترام نسبت به اسیران سفارش نموده است. می‌توان این بحث را زیرمجموعه‌ای از مبحث کرامت ذاتی انسان دانست؛ کرامت انسانی مفهومی است که در قرآن آمده است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» انسان موجودی است که ملائکه برایش سجده کرده‌اند «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» و امانت‌دار امانت الهی است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ... وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» و موجب تبریک خداوند به خودش «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»؛ از این رو اصل و قاعده آن است که تا مجوزی شرعی و قانونی موجود نباشد، نباید به‌هیچ‌وجه این کرامت و حیثیت انسانی مورد خدشه قرار گیرد. این قاعده کلی می‌تواند به اسیران جنگی نیز تعمیم یابد؛ زیرا او نیز انسان است و تا هنگامی که خود موجبات شکسته شدن حریم خویش را فراهم نیاورد، باید به او و حیثیت او احترام گذارد.

آموزه‌های اسلامی در پرتو تعالیم معصومین علیهم‌السلام و با تأکید فراوان بر کرامت ذاتی و حیثیت انسانی قواعد و مقررات شایسته‌ای برای جنگ و مسائل آن ارائه داده است. رفتار با احسان و احترام، ممنوعیت کشتن اسیران، حمایت از کودکان، زنان، سالخورده‌ها و مانند این‌ها، حق خوراک، پوشاک، مکان مناسب و معالجه و بهداشت، منع بیگاری، منع تخلیه اطلاعاتی و غیره از جمله حقوق اسیران جنگی و از وظایف دولت اسیرگیرنده محسوب می‌شود که در تعالیم اسلامی آمده است (حبیب‌نژاد، ۱۳۹۲). در حقوق اسلامی حتی مواردی چون اعطای تسهیلات و امکانات لازم برای انجام مراسم و تشریفات مذهبی در صورتی که جنبه تبلیغی نداشته باشد و تنها در میان اسیران هم‌کیش انجام پذیرد، می‌تواند قابل قبول باشد. همچنان که در مورد اهل ذمه، انجام مراسم مذهبی به رسمیت شناخته شده است. همچنین داشتن عقاید مخالف، تدین به ادیان دیگر غیر از اسلام و گرایش‌های سیاسی انحرافی و نظایر آن‌هم که به فکر و عقیده اسیر مربوط است، مانع از برخورداری اسیر از حقوق شناخته شده وی نخواهد بود (عمید زنجانی، ۱۳۸۵).

از دیگر حقوق اسیر که حق معنوی او به شمار می‌آید و بسیار مهم و سرنوشت‌ساز بوده دلجویی و ارشاد و هدایت اوست. به اصطلاح روز کار فرهنگی و کمک کردن به رشد فکری و ارتقای درک و دانش و پایداری وی گویند. این حق اسیر از این آیه سوره انفال استفاده می‌شود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (سوره انفال، آیه ۷۰) ای پیامبر به کسانی که در دست شما اسیرند بگو اگر خداوند در دل‌های شما خیری بداند بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می‌دهد و شما را می‌آمرزد و خداوند آمرزنده مهربان است (میرشریفی، ۱۳۹۵).

مستند به آیات قرآن کریم اصل پایه‌ای که جنبه آمره داشته و مبنای حقوق اسیران جنگی در اسلام باید به شمار آید، آیه‌ای در سوره بقره است که خداوند در آن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۰) «در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی با شما برخیزند جهاد کنید لیکن ستمکار نباشد که خدا ستمکاران را دوست ندارد.» در این آیه بیان شده که اولاً مسلمانان فقط باید در راه خدا جهاد کنند؛ از طرف دیگر سربازان اسلام و دیگر مسلمین نباید مرتکب ظلم و تعدی در این مورد شوند و در این راستا باید فقط با کسانی بجنگند که به جنگ با مسلمانان اقدام نموده‌اند؛ اسیر

جنگی که به هر علت دیگر توان مبارزه و جنگیدن را به هر علتی ندارد، رزمنده تلقی نشده و نباید مورد حمله قرار گیرد. در اسلام الگوی رفتار با اسیران جنگی بر اساس آیات قرآن خصوصاً آیه ۸ سوره دهر ترسیم شده که عبارت است از «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَأُتْرِدَ مِنْكُمْ...» «آن بندگان نیکوکار به مسکین و یتیم و اسیر طعام می دهند و گویند ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی نمی طلبیم»؛ که نمونه عملی آیه شریفه اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم هستند که بعد از سه روز روزه داشتن غذای افطار خود را با اینکه بدان نیاز وافری داشتند به اسیری انفاق نمودند و به همین دلیل می توان ادعا نمود که در اسلام طرز رفتار با اسیران جنگی به نحو احسن ترسیم شده است (گنجی، ۱۳۴۸).

در خصوص استرقاق (برده گرفتن) که در پیش از اسلام (عموماً) و در زمان رسول اکرم نیز (بعضاً در موارد خاص) وجود داشته، باید در نظر داشت که «در ۱۷ مارس ۱۶۸۵ در فرانسه قانونی وضع شد که از جمله مواد آن منع سیاهان (بردگان) از کسب دانش و جواز کشتن ایشان در مورد بی احترامی به اشخاص آزاد بود» (ریاضی، ۱۳۸۴). در مقابل، سیره عملی رسول گرامی اسلام در مورد اولین بردگانی که در جنگ بدر اسیر شده بودند، چگونه است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در مورد اسیران بدر حکم کردند که اگر اسیری به ۱۰ مسلمان خواندن و نوشتن یاد دهد، آزاد است. این دستور پیامبر حدود ۱۱۰۰ سال قبل از قانون وضع شده در فرانسه بوده که خودشان را مهد آزادی و تمدن می دانند (ریاضی، ۱۳۸۴).

شرایط رفتار مسلمانان با بردگان نسبت به رفتار دشمن با بردگان قابل قیاس نبوده است. هر جا اسلام اجازه بردگی می داد، آن را با موازین اسلامی محدود می ساخت و مقام و منزلت بردگان را در حد اربابان بالا می برد؛ به طوری که بردگان حق طرح دعوی در محاکم را هم داشتند. در نتیجه، بردگی در اسلام امری عاریتی بود. از سوی دیگر آزادسازی برده بر اساس عتوفت یا در برابر فدیة نیز از راه های دیگری بوده که احتمالاً به دلیل مرجح بودنشان در قرآن توصیه شده است (سوره محمد، آیه ۴). از سوی دیگر، شرایط رفتار با اسرا و بردگان به گونه ای بوده که آن ها در اختیار مجاهدان مسلمان قرار می گرفتند و به این دلیل زیر نظر آن مجاهد تربیت می شدند، اسلام می آوردند و آزاد می گشتند (موسوی و فامیل زوارجلالی، ۱۳۹۵). لغو فوری برده داری در صدر اسلام منجر به برهم خوردن نظم و معادلات اجتماعی، به خصوص در

خانواده‌ها می‌شد و نتیجه آن این بود که اسیران جنگی مسلمین در دست کافران باقی بمانند و در مقابل، اسیران کافر به‌طور یک‌جانبه آزاد و به لشکر دشمن ملحق شوند (امامی و شوپای جویباری، ۱۳۹۵).

با وجود این‌گونه نمونه‌های درخشان و شواهد گویای عملی در سیره پیشوایان دینی، متأسفانه گاهی برخی از مورخین با درج رفتارهای مجعول و خشونت‌آمیز که غالباً توسط راویان تازه‌مسلمان یهودی‌الاصل جعل شده، چهره زیبای مقررات رأفت‌آمیز اسلامی را لکه‌دار کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۳). نکته پایانی آنکه در خصوص حق بر حیات اسیران جنگی در نظام حقوقی اسلام نیز می‌توان چنین گفت که سرنوشت اسیران جنگی تنها از دو طریق تعیین می‌شود: ۱- منت‌گذاری بر اسیران و آزادی مطلق آن‌ها و ۲- گرفتن مال و پولی معین و معاوضه اسیر. این چیزی است که در نص قرآن کریم «فاما منا بعد و اما فداء» به آن تصریح شده است (سوره محمد، آیه ۴). اصولاً طبق قوانین بین‌المللی نیز با پایان یافتن حالت جنگی تبادل اسیران میان دو کشور صورت می‌گیرد و آن‌ها آزاد می‌شوند. قانون مبادله اسیر در اصطلاح حقوقی «کارتل» نامیده می‌شود که برحسب توافق دو کشور به‌طور عادی اسیران مبادله می‌شوند؛ زخمی در برابر زخمی، سرباز در برابر سرباز، افسر با درجه معین در برابر افسر با همان درجه؛ البته لازم نیست تبادل اسیران از نظر کمیت یکسان باشد. بلکه می‌توان عده زیادی را در برابر آزادی یک اقلیتی تبادل کرد.

همین‌که جنگ پایان یافت حالت اسارت نیز پایان می‌پذیرد و بر دولت‌های متخاصم لازم است که در اسرع‌وقت ممکن اسیران را مبادله نمایند (زحیلی، ۱۹۹۸). قطعاً این تعابیر حقوقی عصر حاضر با آنچه در شریعت اسلام به نام «فداء» شناخته شده، منافات ندارد؛ زیرا تبادل اسیران بنا بر توافق رؤسای دولت‌های اسلامی صورت می‌گیرد و گاهی اتفاق می‌افتد که عده زیادی را در برابر اقلیتی مبادله کنند؛ چنانچه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دو نفر از کفار را در برابر یک مسلمان آزاد ساخت. گرچه در حقوق معاصر بحثی از معاوضه پولی اسیران نشده، اما به‌رحال قانونی که در خلال قرن هفده میان دولت‌ها تصویب شده، این است که تبادل اسیران از طریق «معاوضه» انجام گیرد (ثقفی، ۱۳۹۲).

حقوق اسرا و نحوه حمایت از آنان در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

جامعه اسلامی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برای نخستین بار در سال دوم هجرت و در سیره «عبدالله بن جحش» با موضوع اسارت روبه‌رو شد (آیتی، ۱۳۷۸) و از آن‌پس تقریباً در تمام غزوات و سریه‌ها، اسیرانی از هر دو طرف در بند و مبادله می‌شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مسلمانان را به رفتار انسانی همراه با ملاحظت و مدارا در حق اسیران، ترغیب می‌کرد. شواهد بسیاری در زندگی ایشان وجود دارد که مبین رفتار بشردوستانه ایشان در برخورد با اسرای جنگی بود.

محیطی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در آن رشد و نمو کرد، بیگانه از محدودیت‌های عرفی بر استعمال زور و نیروی نظامی نبود. موقعیت مقدس مکه و اطراف آن، حرمت ماه‌های حرام و مصونیت کاروان‌های قریش به‌عنوان محافظین کعبه، یک نوع رفتار را در میان اعراب در جنگ‌هایشان تشکیل داده بود؛ پیامبر به این مجموعه کوچک تعالی بخشید و به تدریج در زمان خلفای راشدین و بروز موقعیت‌های جدید و جنگ‌های برون‌مرزی و تحت تأثیر تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و آموزه‌های قرآنی، مجموعه حقوق و مقررات جنگ در اسلام به کمال بیشتری رسید (کریمی، ۱۳۸۹).

از نظر پیامبر سه گروه در سایه عرش الهی هستند؛ یکی از آنان فردی است که به مسکینان و اسیران اطعام می‌دهد (حر عاملی، ۱۴۱۴، جلد ۱۱) که این امر مبین نگاه عمیق ایشان به رعایت حقوق اسیران جنگی است. جالب آنکه جین پیکتت، حقوقدان سیاسی که در تهیه کنوانسیون‌های ژنو، تلاش فراوان کرده می‌گوید: خواستم تمام قواعد انسان دوستانه بین‌المللی را در قالب جمله‌ای جامع و فراگیر تبیین کنم. در نهایت آنچه توانستم ارائه دهم این اصل است که «با دیگران آن‌چنان رفتار کن که مایلی با تو آن‌چنان کنند» (محقق داماد، ۱۳۸۳). نکته قابل توجه آن است که این سخن عیناً در کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده است. رسول اسلام در مورد جمع بین دو وضعیت متناقض، یعنی ملاحظات انسان دوستانه و ضرورت‌های نظامی، در حدیثی فرموده‌اند: «انا نبی المرحمه و انا نبی الملحمه». ایشان در این حدیث مروت و رحمت و انسانیت را بر جنگ مقدم دانسته‌اند تا به رزمنده مسلمان القا شود که او بازوی عدالت است نه شمشیر انهدام مقررات بشردوستانه اسلامی.

در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز نه‌تنها بر رعایت رفتار انسانی، بلکه بر خوش‌رفتاری و داشتن رفتار برادرانه با اسرا در مدت اسارت همواره تأکید شده است. انزجار پیامبر از شکنجه

در روایات مختلفی نمایان است؛ از جمله در مسأله سهیل بن عمرو عامری (که خطیبی زبردست بود)، عمر بن خطاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خواست به او اجازه دهد تا دندان‌های سهیل را درآورد تا او دیگر قادر به ایراد خطابه علیه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نباشد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در پاسخ فرمود: «من او را از شکل نخواهم انداخت، زیرا اگر چنان کنم، خداوند مرا که رسول اویم از شکل خواهد انداخت» (ابن کثیر، بی تا). از این رو، مسلمانان حق ندارند کوچک‌ترین آزار و اذیتی نسبت به اسرا داشته باشند؛ همچنین اهانت به آن‌ها نیز جایز نیست و باید اخلاق اسلامی رعایت شود. در روایات آمده، ایشان با حلول ماه رمضان تمامی اسیران جنگی را آزاد می‌کرد. این روایت هم در منابع شیعی، مانند مناقب و هم منابع اهل سنت آمده است (رحمانی، ۱۳۹۲). ابو زهره گوید: «پیامبر آن‌قدر سفارش اسیران بدر را نمود که گویی آنان مهمان بودند نه اسیر» (ابو زهره، ۱۴۱۵). همچنین در روایت منصوصی آمده که «آن حضرت در روز بدر اصحاب خود را وصیت نمود که اسیران را مورد تکریم و احترام قرار داده و در غذا خوردن ایشان را مقدم بر خود دارند» (ابن کثیر، ۱۴۲۵، جلد ۴). ایشان می‌فرمودند: «اسیران برادران شما هستند، از هر آنچه می‌خورید به آن‌ها بخورانید و از هر آنچه به تن می‌کنید به آن‌ها بپوشانید (حر عاملی، ۱۴۰۹، جلد ۳۱). در تاریخ اسلام و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم موردی مشاهده نمی‌شود که اموال شخصی اسیر از او گرفته شده باشد و چه بسا آن حضرت چیزی هم به آن‌ها می‌بخشید. ایشان همچنین در جریان فتح فدک، اسیران را به خدمت در باغ‌ها مشغول کرد و دستور داد چیزی از محصولات باغ‌ها به عنوان دستمزد به اسیران پرداخت شود (استرآبادی، ۱۳۷۴). بر همین اساس فقها نیز فتوا داده‌اند که مسلمانان نمی‌توانند در پرداخت اجرت، به کارگران اسیر کوتاهی و خیانت کنند (زحیلی، ۱۴۱۹). رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هنگامی که اسیری را برای نگهداری و پذیرایی در منازل به یکی از اصحاب می‌سپرد؛ فرمود به نیکی با او رفتار نما. شمول این جمله و توسعه مفهومی آن بسی فراتر از حقوقی بوده که در کنوانسیون‌های بین‌المللی برای اسیران جنگی تدوین شده است. چنانکه در هر زمان و شرایطی «احسان» می‌تواند معنا و مصداق خاصی را متبادر کند. در این نگاه، اسیر جنگی نه به عنوان انسان قابل‌ترحم، بلکه به صورت انسانی نگریسته می‌شود که شایسته هر نوع اکرام و احسان است (عمید زنجانی، ۱۳۹۱).

حقوق اسرا و نحوه حمایت از آنان در سیره امام علی علیه السلام

توجه به سیره امام علی علیه السلام در جنگ‌ها مانند طرز برخورد با اموال و اشخاص و اسرای به‌جای مانده از جنگ و همچنین آموزه‌های فقهی و استنباط‌های فقهی متقدم و متأخر شیعه در متون فقهی نشان می‌دهد که میراث فقهی شیعه در این زمینه از جایگاه قابل‌اعتنایی (به‌ویژه در مقایسه با حقوق جنگ امروزی) برخوردار است. فرهنگ اسلامی در ارتباط با تدوین قوانین حامی حقوق اسیران، گوی سبقت را از سایر ادیان ربوده است و افزون بر احکام و قواعد آمرانه نسبت به حقوق آن‌ها، پیشواهای دینی در این رابطه به‌گونه‌ای عمل کرده‌اند که به فکر هیچ بشری خطور نمی‌کند. به‌عنوان نمونه، وصیت علی علیه السلام به فرزندش امام حسن، در رابطه با این ملجم است که پس از واردکردن ضربت بر سر آن حضرت در دست آن‌ها اسیر بود؛ در کتاب شیعه و سنی آمده است که: به او مهربانی کنید، از غذایی که من می‌خورم به او بدهید، قبل از شهادت من او را نکشید و اگر من با ضربت او کشته شدم، حق ندارید یک ضربت بیشتر بر سر او بزنید. این وصیت نمونه‌ای از رعایت حقوق اسیران جنگی در اسلام است.

مسئله از حقوق انسان ادامه حیات اوست. از این رو، بر هر فرد انسانی لازم است حتی‌الامکان از مرگ انسان‌ها جلوگیری کند. یکی از این راه‌ها رسیدگی به مجروحان پس از اتمام جنگ است. پس از خاتمه نبرد نهران، امام علیه السلام دستور دادند مجروحین خوارج را از میان کشته‌شدگان جدا کنند و به خانواده‌شان تحویل دهند؛ زیرا کشتن مجروح را سزاوار نمی‌دانست. پس آن‌ها را به وابستگان‌شان تحویل دادند (خوش‌چهره، ۱۳۹۳). به این جهت که امکان مداوا نبوده و خویشان مجروحان بهتر می‌توانستند از آن‌ها مراقبت کنند. امام علیه السلام نسبت به دسته دیگری از مجروحان از آن‌ها تعهد گرفت و فرمود: آن‌ها را با خود ببرید و طبابت نمایید و پس از بهبودی در کوفه پیش من برگردانید (طبری، ۱۹۶۷). می‌توان این فرمایش امام علی علیه السلام را به‌عنوان یک حق برای افراد در نظر گرفت. چون فرد زخمی هر چند دشمنی - اش پابرجا است؛ ولی چون قدرت ضربه زدن و آسیب رساندن به مسلمانان را ندارد، پس نباید آنان را بکشیم. رعایت این سخن کوتاه امام مانع از کشتار بی‌شمار افراد در جنگ می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام معتقد بودند، اطعام اسیر و احسان کردن به او حق واجب اسیر است، اگرچه مستحق اعدام باشد (عمید زنجانی، ۱۳۹۱). ایشان در جنگ‌های جمل، صفین و غیره هیچ اسیری را به قتل نمی‌رسانید؛ بلکه آن‌ها را به‌صورت ابتدایی (بدون اینکه معاویه اسیران را آزاد سازد) آزاد می‌ساخت و گاه نیز مشروط با آزادی اسیران سپاه علی علیه السلام که در اختیار

طرفداران معاویه بودند، آزاد می‌ساخته است (ابراهیمی، ۱۳۹۲). این موارد بیانگر رویکرد بشردوستانه حضرت علی علیه‌السلام نسبت به اسرای جنگی است.

آرای فقهای شیعه در مورد نحوه برخورد با اسیران جنگی

فقهای شیعه برخلاف فقهای اهل تسنن بین وضعیت اسیران جنگی حین جنگ و پس‌از آن قائل به تفکیک هستند. اصولاً اسیرانی که حین جنگ دستگیر می‌شوند با ضمانت اجرای شدیدتری نسبت به اسیران دستگیر شده پس از جنگ روبه‌رو می‌شوند. مجازات قتل در خصوص اسیران دستگیر شده پس از جنگ از نظر فقهای شیعه امری خلاف نصوص و موازین دینی است. آغازگر تفکیک بین اسیران دوران برپایی جنگ و اسیران بعد از خاموشی آن ظاهراً شیخ طوسی است و از آنجاکه موقعیت شیخ طوسی در میان محققان متأخر موقعیتی ممتاز و به‌عنوان شیخ الطائفه مطرح بوده و هست، علمای بعدی، به‌تبع او همان نظریه را پذیرفته و به‌قول معروف مانند مقلدان در برابر رأی مرجع خویش اجازه چون‌وچرا به خود نداده‌اند. به نظر برخی از مفسران شیعی به نقل از ائمه هدی علیهم‌السلام، اسیران جنگی بر دو قسم هستند. دسته‌ای از اسیران آن‌هایی هستند که قبل از پایان جنگ و تداوم آن اسیر می‌شوند. مشهور فقیهان چنان است که کشته می‌شوند؛ اما به نظر علامه مغنیه در آن حال باید مصلحت نظام اسلامی موردنظر قرار گیرد؛ اگر نگهداری اسیران سبب فتنه و آشوب شود که کشتن آن‌ها جایز است؛ ولی اگر نگهداری آن‌ها چندان آسیبی نرساند، نگهداری‌شان لازم است تا بعد آزاد شوند؛ اما اگر اسیران پس از پایان جنگ اسیر شوند، نگهداری آنان ضروری است تا بعداً آزاد شوند و یا معامله به مثل شوند (طبری، ۱۳۳۹).

اکثر فقهای شیعه و از جمله شیخ طوسی، معتقدند اگر اسیر در حال درگیری و قبل از پایان جنگ دستگیر شود، نگهداری آن جایز نیست و باید مانند سایر دشمنان در حال جنگ، کشته شود. تنها راه برای زنده ماندن وی مسلمان شدن است که مانع از کشته شدن وی می‌شود و مسلمانان باید از او در برابر صدمات و تعرضات دشمن دفاع نمایند (باقری، ۱۳۹۰)؛ اما اگر دستگیری اسیر پس از پایان جنگ انجام گیرد، توسط امام نگهداری می‌شود و دولت اسلامی می‌تواند درباره او یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ نماید.

۱- او را آزاد نماید و بدون دریافت غرامت یا مبادله به حال خود بگذارد؛ ۲- او را با اسرای مسلمان که در دست دشمن هستند مبادله کنند؛ ۳- در مقابل آزاد نمودن او غرامت بگیرد؛ ۴- او را به بردگی بگیرد و ۵- امام نمی‌تواند اسیر را به قتل برساند (شیخ طوسی، ۱۳۷۴).

از نظر شهید اول (۱۴۱۷ قمری) «زنان و کودکان به مجرد اسارت به بردگی درمی‌آیند؛ اما مردان بالغ اگر وقتی دستگیر شوند که جنگ تمام نشده باشد و مسلمان هم نشوند، حتماً باید کشته شوند و اگر پس از پایان جنگ دستگیر شوند، امام مخیر است بین من و فدا و استرقاق». شهید ثانی معتقد است در صورتی که مردان بالغ را بعد از اتمام نبرد و پایان یافتن آشوب جنگ اسیر کنند، آن‌ها را نمی‌کشند؛ بلکه به امام علیه‌السلام تحویل داده و امام علیه‌السلام مخیر است در اینکه بر آن‌ها منت گذارد و بدون گرفتن چیزی آزادشان نماید یا مالیات و فداء گرفته و رهایشان کند و یا به بردگی مسلمین آن‌ها را درآورد اعم از اینکه کافر حربی بوده یا کتابی باشد (حجازی، ۱۳۹۴).

محقق حلی می‌گوید: «اسیران یا مرد هستند یا زن، اما زنان به محض اسارت به بردگی درمی‌آیند هر چند جنگ برپا باشد و حکم کودکان نیز همین است؛ اما مردان بالغ اگر جنگ برپا شد مادامی که مسلمان نشوند حکمشان قتل است. امام علیه‌السلام در مورد کشتن آنان مخیر است گردنشان را بزند و یا دست‌وپایشان را به‌طور خلاف هم قطع کند و آنان را رها سازد تا خونشان بیاید و بمیرند؛ اما اگر بعد از پایان جنگ اسیر شوند امام علیه‌السلام مخیر بین من و فدا و استرقاق است» (حلی، ۱۴۰۸ ق، جلد ۱). طبق نظر محقق حلی، «واجب است که آب و غذا به اسیر بدهند، اگرچه اراده کشتن او را داشته باشند و کشتن اسیر در حال زجر و گرسنگی و حبس کراهت دارد و بعضی گفته‌اند به این طریق که ببندد او را تیر یا سنگ به او بزنند تا بمیرد و همچنین جدا کردن و برداشت سر اسیر از محل قتال کراهت دارد (حجازی، ۱۳۹۴).

صاحب جواهر از فقهای شیعه، در مورد اسیرانی که بعد از اتمام جنگ، گرفته شده‌اند از کنز‌العرفان نقل می‌کند: هرگاه پس از پایان جنگ اسیر شده باشد، امام علیه‌السلام مخیر است که بدون عوض یا با عوض آزاد کند و یا به بردگی بگیرد؛ ولی کشتن اسیر جایز نیست (دریس، ۱۳۹۵). قطب‌الدین راوندی معتقد است اسیر چه در حین جنگ و چه پس‌از آن، اگر اسلام بیاورد تمام احکام اسارت از او ساقط می‌شود (راوندی، ۱۴۰۵). ابوالصلاح حلبی معتقد است «هنگامی که مسلمانان کافری را اسیر کردند، دین اسلام را بر او عرضه و تشویق به پذیرش

آن می‌نمایند، اگر اسلام آورد رهایش می‌کنند؛ ولی اگر نپذیرفت، اگر پیش از پایان جنگ اسیر شده امام علیه‌السلام مخیر است بین کشتن و دار زدن تا آنکه بمیرد و بین آنکه دست‌وپایش را برخلاف یکدیگر قطع کند و در خون خودش رها کند تا جان دهد و فدیه بگیرد؛ ولی اگر پس از پایان جنگ اسیر شده، کشتن او جایز نیست و امام علیه‌السلام بین رق، فدیه و من مختار است» (حلبی، ۱۴۰۳). شایان توجه است که جواز کشتن اسیر در اسلام هیچ‌گاه به معنای امری گزاف و خودسرانه نبوده، بلکه مخصوص مواردی بوده که مصالح اجتماعی اسلام و مسلمانان آن را اقتضا داشته و این چیزی است که در کمتر مواردی اتفاق می‌افتاده و شاید هم اتفاق نیفتاده باشد. به همین جهت در تاریخ زندگی پیامبر بلکه پس‌از آن در کمتر موردی در مورد اسیران جنگی مسأله کشتن مطرح شده و برعکس، تعالیم فطری اسلام در رابطه با حقوق اسیران و لزوم احترام و مراعات حال آنان مرجع بوده، همان‌گونه که قرآن سرنوشت اسیران را بین «من» و «فداء» محصور کرده است. معمولاً در تاریخ اسلام با اسیران همین‌گونه عمل شده و مبادلات اسیران که از دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آغاز شده و تا اواخر دوره عباسی ادامه داشته، حاکی از همین معناست (باقری، ۱۳۹۰). نهایتاً آنکه گفتار فقهای شیعه و اهل سنت در مورد قتل اسیران جنگی مخصوص موردی است که اسیران دشمن به اصطلاح از کفار باشند و اما اسیران جنگی که کافر نیستند، از هر یک از فرق اسلامی که باشد، کشتن آن‌ها جایز نیست. چنان‌که بردگی گرفتن آن‌ها نیز صحیح نخواهد بود (ابراهیمی، ۱۳۹۲).

آرای فقهای اهل سنت در مورد نحوه برخورد با اسیران جنگی

در تعیین سرنوشت نهایی اسیران جنگی بین فقهای اهل سنت و شیعه اختلاف نظر وجود دارد که در برخی از موارد، این اختلاف، صوری و در بعضی از موارد محتوایی است. فقهای اهل سنت تمایزی بین وضعیت اسیران جنگی حین و پس از جنگ قائل نشده‌اند. این در حالی است که از منظر فقهای شیعه نحوه برخورد با اسیر حین جنگ و پس از جنگ کاملاً متفاوت است. زمانی که معرکه جنگ پایان پذیرد در خصوص حکم اسرای جنگی بین فقهای اهل تسنن سه نظریه وجود دارد و مسأله از نظر فقها اختلافی است.

نظریه اول: شافعیان معتقدند که امام علیه‌السلام می‌تواند یکی از اعمال زیر را در مورد اسیران جنگی به اجرا گذارد، آزادی بدون قید و شرط، آزادی با اخذ فدیه و غرامت بردگی و بالاخره قتل. البته در مورد زنان و کودکان دشمن، قتل را جایز نمی‌دانند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۸).

این نظریه را ابو یوسف و محمد بن اسحاق از علمای اهل سنت و برخی از فقهای امامیه نیز پذیرفته‌اند.

نظریه دوم: به موجب نظر ابرازی در مذهب مالکی و حنفی، هرگاه اسیران جنگی مسلمان نشوند، محکوم به قتل و یا بردگی هستند؛ به عبارت دیگر در نظر علمای این مذهب آزادی اسیران معنی و مفهومی ندارد» (شوکانی، ۱۹۵۷).

نظریه سوم: از دیدگاه علمای حنبلی ولی امر مخیر است که یکی از سه راه در مورد اسیران جنگی برگزیند، یا آن‌ها را می‌کشد، یا به بردگی آنان حکم می‌دهد و یا آزادشان می‌کند؛ البته مشرکین از عرب و مرتدین از این حکم مستثنا هستند و نه آزاد می‌شوند و نه به بردگی گرفته می‌شوند، بلکه اگر مسلمان نشدند کشته می‌شوند.

قاضی ابو یوسف (۱۳۹۹ قمری) نیز معتقد است: «سرنوشت اسیران به دست امام علیه‌السلام است، اگر نزد او کشتن اسیران به صلاح اسلام و مسلمانان باشد آنان را می‌کشد و اگر گرفتن فدیة صلاح باشد آنان را با تعدادی از اسیران مسلمان مبادله می‌کند». بین فقهای اهل سنت مشهور بوده که امام علیه‌السلام و رهبر مسلمانان درباره اسیران مخیر بین چهار کار است. ولی تعدادی از قداما و معاصران ایشان در مورد قتل اشکال کرده و آن را نپذیرفته‌اند. چراکه معتقدند مرجع چگونگی رفتار با اسرا، آیه چهارم سوره مبارکه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که می‌فرماید «فَمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِنَّا لَفِدَاءٌ» از جمله: عبدالله بن عمر، سعید بن جبیر، حسن بصری و عطاء بن ابی ریحاح که حکم قتل را قبول ندارند (میرشریفی، ۱۳۹۵). از بررسی گفتار فقهای مفسران اهل سنت می‌توان چنین نتیجه گرفت مهم‌ترین عاملی که موجب شده بعضی از فقهای اهل سنت برده گرفتن و کشتن جنگجویان اسیر از جبهه دشمن را جایز بشمارند، عمل مسلمانان و به تعبیر صحیح‌تر روش بعضی از امرای ارتش اسلام بعد از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است؛ و یا به گفته ابن قدامه، عمل بعضی از امرا و یا خلفای اموی را دلیل بر جواز آن عمل از دیدگاه اسلام گرفته‌اند. درحالی‌که عمل یک فرد غیر معصوم هیچ‌گاه نمی‌تواند اثبات‌کننده حکمی از احکام اسلام بوده باشد، به‌ویژه هنگامی که ظاهر آیه‌ای از قرآن و یا حدیث نبوی، مخالف آن عمل بوده باشد (فخر رازی، بی‌تا).

نتیجه‌گیری

به جرأت می‌توان ادعا کرد ادیان الهی و مصلحان مذهبی از جدی‌ترین مدافعان نفی جنگ و خشونت هستند، به‌ویژه دین مبین اسلام و پیامبر عظیم‌الشان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که منادی وحی بوده و کلام و پیام خداوند را به مردم ابلاغ می‌کند و نیز تداوم‌دهندگان راه ایشان یعنی امامان علیهم‌السلام که رسالت هدایت را تمام و کمال به انجام رسانده و خواهند رساند. اسلام انسان را بالفطره و در خلقتش آزاد می‌داند و از این‌رو، نظام اسارت را یک امر عارضی و تحمیلی به جامعه بشری تلقی می‌کند. یعنی اصالت با حریت و آزادی انسانی است و محدودیت‌های اجتماعی باید در راستای تأمین مصالح اجتماعی باشد. یکی از اصول مسلم و یکی از مبانی حقوق اسلامی، صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگران است. از دیدگاه اسلام هم جنگ تجاوزکارانه و هم تجاوز و تعدی در جنگ، محکوم است.

اسلام دین عقل و منطق، رأفت، محبت و رحمت است. دین انسان‌سازی و انسان‌دوستی از راه ملاحظت و مهرورزی است. در اسلام، اسیر جنگی دارای حقوق و احکامی بوده که مسلمانان به هر شکل، موظف به رعایت آن هستند. در اسلام به شخصیت و کرامت انسانی اسیر بیش از حقوق سایر کشورها و ادیان پرداخته شده است. تمام کسانی که به دست مسلمانان اسیر می‌شوند، از نظر اسلام حقوقی دارند که باید مراعات شود؛ زیرا اسلام اجازه نمی‌دهد که اسیرکنندگان به‌دلخواه یا از روی کینه و انتقام‌جویی با اسیران برخورد کنند؛ از این‌جهت توصیه‌های فراوانی در راستای مراعات حال اسرا در اسلام به چشم می‌خورد. اسلام زمانی ظهور و نشو و نما نمود که کشتن اسیران و به بردگی گرفتن یا شکنجه آنان امری عادی و رایج بود؛ ولی اسلام همان‌گونه که آیین تازه‌ای بود، برای اسیران هم ارمغانی نو بود. هرچند در حال حاضر قوانین و مقررات بشردوستانه به‌صورت منظم و دسته‌بندی شده وجود دارد و از نظر شکلی دلپسند و زیبا است ولی از نظر محتوا و ضمانت اجرا، مقررات و احکام اسلام بر آن برتری چشم‌گیری دارد. باتوجه‌به اینکه اسلام در پانزده قرن قبل ظهور نموده و با شرایط و اوضاع و احوال خاصی روبه‌رو بوده، قوانین و مقرراتش درباره اسیران بسیار پیشرفته و انسانی و در هر عصر و زمانی قابل اجرا و ضمانت اجرای محکمی دارد که همان باور دینی و ترس از مجازات و عقوبت الهی است و هر وقت حکومت در دست عادلان و دین‌داران بوده به‌خوبی به آن عمل شده و می‌شود.

دین مقدس اسلام که تمام اهتمامش به اصلاح فرد و جامعه و گسترش قسط و عدالت و تأمین امنیت و آسایش و صیانت از حقوق انسان‌ها بوده، حقوق اسیر را به‌طور کامل و عادلانه رعایت کرده است. اسیر اگر جنایتکار، جانی و خطرناک و شریر نباشد، جان‌ش محترم و آبرو و حرمتش محفوظ است. دین مبین اسلام، اسیر را از گروه‌هایی برشمرده که مستحق دلجویی، مهربانی و نیکی بوده و او را در ردیف مسکین و یتیم قرار داده است (سوره انفال، آیه ۷۰؛ سوره انسان، آیه ۸ و ۹). در حقوق اسلامی، همواره بر این اصل تأکید شده که «جنگ‌ها، نظام‌ها را رودرروی یکدیگر قرار می‌دهد و نه مردم را؛ بنابراین تا آنجا که ضروریات نظامی ممکن می‌سازد، افراد باید از تعرض مصون باشند. ادیان الهی همواره بر مراعات حقوق الهی و انسانی در جریان مخاصمات مسلحانه تأکید داشته‌اند. کرامت، شخصیت، حیثیت و منزلت انسان در اسلام نیک مورد توجه قرار گرفته و حمایت همه‌جانبه از انسان در زمان صلح و جنگ همواره مطمح نظر بوده است. این از حقوق انسان‌هاست که باید در همه زمان‌ها محترم شمرده شود؛ چه در جنگ و چه در صلح. از نقطه نظر اسلامی، هرکس در هر زمان، هم دارای حقوق و هم وظایف ویژه‌ای است. در زمان جنگ، دو طرف حقوق و تکالیفی بر عهده دارند؛ احکام خاص اسیران جنگی (حقوق و تکالیف) در اسلام از نظر تاریخی مقدم بر مقررات بین‌المللی است. ظهور اسلام به‌عنوان پدیده‌ای شگرف علاوه بر همه جوانب و مظاهر حیات تمدنی، بیشترین تأثیر را بر مناسبات انسانی - اجتماعی از جمله جنگ و مخاطرات آن نهاد. رعایت حقوق انسانی و توجه وافر به مسائل اخلاقی، یکی دیگر از ویژگی‌های مهم جنگ در اسلام است. در اسلام، میان خشونت پدیده جنگ و لطافت عواطف انسانی و ملایمت اصول اخلاقی قهر و مهر و صلابت و ملایمت، چنان ماهرانه الفت برقرار شده که مایه شگفتی است. این ویژگی در محیط و فضایی ظهور یافت که زشت‌ترین خصلت‌ها و ناپسندیده‌ترین کارها رواج داشت و ابتدایی‌ترین حقوق انسانی زیر پا گذاشته می‌شد. رعایت حقوق انسانی در جنگ، مورد توجه کسانی قرار گرفت که پیش از ظهور اسلام، مدام در جنگ و خونریزی و غارت بودند و از انجام هیچ جنایتی پروا نداشتند. ضرورت رفتار انسانی با دشمن از قواعد مسلم اسلامی است. اصل رفتار انسانی در اسلام، محصول اصل کرامت ذاتی انسان بوده که در قالب رفتار انسانی نمود پیدا می‌کند و هدف از آن مخدوش نشدن کرامت ذاتی انسان است. اسلام سعی کرده تا با توجه به مقتضیات جنگ‌های

آن زمان، از خشونت در حق اسیران کاسته و رزمندگان مسلمان را به حفظ حقوق و رعایت اخلاق درباره اسیران جنگی ترغیب کند.

شریعت اسلامی همواره از منشأ کرامت انسانی خواسته تا عدالت را گسترش دهد. این قانون نه فقط در دوره صلح و زندگی مسالمت‌آمیز میان انسان‌ها جاری است که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» و «اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى»، بلکه در دوران جنگ نیز حقوق اساسی انسانی را رعایت کرده و کرامت بشری را در مورد اسیران جنگی حفظ کرده است؛ آن‌هم به‌عنوان یک وظیفه حکومتی و اجرای احکام الهی. زیرا مبنای اسلام بر کینه‌توزی نیست؛ بلکه بر رحمت و عدالت است. ماهیت جنگ در اسلام، اخلاقی، مذهبی و منطبق با متون عالی دینی بوده و افتراق بین جنگ و جهاد نیز به همین دلیل است. از آنجایی که فقه اسلامی برای اعمال و رفتار در زندگی احکامی مطابق با قرآن و سنت ارائه می‌دهد، در مورد جنگ یا صلح نیز افراد را به پیروی از قرآن و سنت دعوت می‌کند.

در دوران دفاع مقدس، متأسفانه بدیهی‌ترین حقوق اسیران جنگی ایرانی توسط رژیم بعثی عراق با نقض‌های مکرری روبه‌رو شد. حقوقی که هم در دین اسلام و هم در حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر آن تصریح شده است. سردمداران این رژیم کوچک‌ترین اهتمامی به رعایت حقوق اسیران جنگی ایرانی نداشتند. گزارش‌های متعددی از سوی مراجع بین‌المللی مانند هیأت اعزامی دبیر کل سازمان ملل متحد و صلیب سرخ جهانی در خصوص نقض مقرره‌های مرتبط با اسیران جنگی توسط رژیم بعثی عراق منتشر شده است. علاوه بر آن بسیاری از مقامات ارشد عراق چه حین جنگ و چه پس از پایان آن تصریح نموده که کشتار و به‌شهادت رساندن اسرای ایرانی در داخل اردوگاه‌ها امری متداول بوده است. رفتارهای غیرانسانی و رذیلانه‌ای همچون به‌رگبار بستن اسرای جنگی، عدم رعایت اصل تفکیک به‌عنوان یکی از اصول مسلم حقوق بشردوستانه اسلامی و بین‌المللی، ایجاد شکنجه‌گاه درون بازداشتگاه‌ها، عدم تأمین ابتدایی‌ترین امکانات بهداشتی و درمانی، گرسنگی دادن به اسرای جنگی، در نظر گرفتن محیط‌های بسیار کوچک برای تعداد زیادی از اسرا و مواردی از این قبیل تنها بخشی از اعمال خلاف اصول شرعی، انسانی و حقوقی رژیم بعثی عراق بوده است.

کتابنامه

- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۲). نگاهی تطبیقی به حقوق اسیران در حقوق بین‌الملل و اسلام، در: اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌الملل.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۲۵). تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، جلد ۴، دار احیاء التراث العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا). البدايه و النهايه، بیروت، دارالفکر.
- ابو زهره، محمد (۱۴۱۵). العلاقات الدولیه فی الاسلام، الدار القومیه.
- ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۹۹). خراج، بیروت، دارالمعرفه.
- استرآبادی، احمد بن تاج‌الدین (۱۳۷۴). آثار احمدی تاریخ زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام، تهران، میراث مکتوب.
- امامی، مسعود و شوپای جویباری، رم ضناعلی (۱۳۹۵). داذ شنامه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، چاپ اول، زمستان تهران، میزان.
- آقایی، بهمن (۱۳۷۶). فرهنگ حقوق بشر، کتابخانه گنج دانش.
- آل‌بتول، سیدمحسن (۱۳۸۸). حمایت از غیرنظامیان در جنگ از منظر اسناد بین‌المللی و حقوق اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق اسلامی، مدرسه عالی شهید مطهری.
- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، تهران، دانشگاه تهران.
- باقری، سمیه (۱۳۹۰). بررسی تحول نظام حقوق جنگ در اسلام (با تأکید بر اندیشه سیاسی شیعه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ تشیع.
- ثقفی، محمد (۱۳۹۲). حقوق اسیران جنگی در شریعت اسلامی، جنگ و آثار اجتماعی آن، در اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۶۷). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- حبيب‌نژاد، سيداحمد (۱۳۹۲). حقوق اسیران جنگی در پرتو آموزه‌های اسلامی با تطبیق بر کنوانسیون سوم ژنو، مجموعه مقالات اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران، میزان.
- حجازی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق اسیران جنگی، چاپ دوم، تهران، میزان.
- حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، جلد ۱۱، قم، موسسه آل‌البیت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۳۱، قم، موسسه آل‌البیت.
- حلبی، ابو صلاح تقی‌الدین بن نجم (۱۴۰۳). الکافی، تحقیق رضا استادی، چاپ اول، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (جلد اول)، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان.
- خوش‌چهره، یاسر (۱۳۹۳). حقوق افراد در جنگ از دیدگاه اسلام با تأکید بر سخنان امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، دانشکده علوم انسانی.
- دریس، حامد (۱۳۹۵). مقایسه حقوق اسیر در فقه امامیه، اهل سنت و وهابیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول‌الدین قم، گروه فقه و حقوق اسلامی، زمستان.
- راوندی، ابوالحسن سعید بن هبه الله (معروف به قطب راوندی) (۱۴۰۵ قمری). قطب‌الدین راوندی، به کوشش سیداحمد حسینی، قابل بازیابی در پایگاه اینترنتی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی) به نشانی www.cgie.org.ir/fa/article/246169
- رحمانی، محمد (۱۳۹۲). نقش اصول و قواعد اسلامی در توسعه حقوق بشردوستانه، در: اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌الملل.
- رشید، احمد (۱۳۵۳). اسلام و حقوق بین‌المللی عمومی، ترجمه حسن سیدی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، نشر مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- ریاضی، افسانه (۱۳۸۴). بردگی و برخی احکام اسیران جنگی در قرآن و سنت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول‌الدین تهران، گروه علوم قرآن و حدیث.

- زحیلی، وهبه (۱۴۱۹ قمری). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق: دارالفکر.
- زحیلی، وهبه (۱۹۹۸). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق: دارالفکر.
- سیاه رستمی، هاجر، حسین نژاد، کتایون و محسن افچنگی (۱۳۸۹). حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، تهران، موسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد (۱۹۵۷). نیل الاوطار، شرح متقی الاخبار (جلد ۸)، قاهره، المطبعة العثمانیه المصریه.
- شهید الاول (۱۴۱۷). الدروس الشرعیه، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین
- شیخ طوسی (۱۳۷۴). تهذیب الاحکام، تصحیح علی اکبر غفاری، جلد ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۸). اسلام و حقوق بین‌الملل، چاپ سوم، پاییز، شرکت سهامی انتشار.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۹۶۷). تاریخ طبری (جلد ۶)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دار التراث.
- طبری، ابوعلی (۱۳۳۹). مجمع البیان (جلد ۵)، دارالمعارف الاسلامیه.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۲). جستاری کلی در مقررات بشردوستانه در فقه اسلامی، جلالی، غلامرضا، دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی (مجموعه مقالات)، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). فقه سیاسی، جلد ۶، تهران، امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱). حقوق بشردوستانه بین‌المللی از منظر اسلام، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- فخر رازی، محمد بن عمر (بی تا). التفسیر الکبیر (جلد ۲۸)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۸). ماهیت و مبنای تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه از نگاه اسلام و حقوق بین‌الملل، دوره ۴۹، شماره ۳، پاییز، صفحات ۸۹۷-۹۱۸، مطالعات حقوق عمومی.

- فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۵). جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی، سال ششم، شماره دوم، تابستان، صفحات ۸۱-۱۰۳، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام.
- کریمی، هما (۱۳۸۹). حقوق و مقررات جنگ در صدر اسلام تا سال ۴۰ هجری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه الزهرا سلام‌الله‌علیها.
- گنجی، منوچهر (۱۳۴۸). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، جلد اول.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۱-۱۳۷۲). جزوه درس حقوق بین‌الملل اسلام، دانشگاه شهید بهشتی.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۵). تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن، شماره ۱۸، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رهیافت اسلامی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- مطهری، سیدمحمدحسین (۱۳۸۴). تفسیر المیزان، جلد دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، جلد ۷، چاپ مروی، نوبت چهاردهم.
- موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۹۴). حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران، دادگستر.
- موسوی، سیدفضل‌الله و فامیل زوارجلالی، امیر (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه اسلامی با کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو؛ با تأکید بر رفتار با اسرای جنگی دوره ۷، شماره ۲، صص ۷۵۳-۷۸۳، مطالعات حقوق تطبیقی.
- میر شریفی، سیدعلی (۱۳۹۵). سرنوشت اسیر در اسلام بررسی تاریخی فقهی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

